

## درد آقای وردک، دیورند یا دانشگاه؟

نویسنده: دانشیار محمد عابد حیدری  
ناشر: تارنمای خراسان زمین - ۱۲ عقرب (آبان) ۱۳۹۱

شب بیست و هشتم ماه اکتوبر سال ۲۰۱۲ میلادی برنامه «تودی خبری» کانال تلویزیونی طلوع نیوز از طریق شبکه جهانی آریانا افغانستان باز نشر میگردد. چون بحث خط دیورند بود، به همین دلیل خواستم لحظه ای پای صحبت‌های برنامه بنشینم که گرداننده گی انرا آقای بختیاری بعهده داشت و مهمانانش محترم احمد سعیدی، محترم سعادت و محترم محمد آصف وردک بودند.

موضوع برنامه همان «دیورند کربنه» «خط دیورند» «دیورند لاین» بود که درین اواخر با اظهار نظر نماینده خاص رییس جمهور امریکا در امور افغانستان و پاکستان آقای گروسمن مبنی براینکه کشورش «دیورند لاین» را بعنوان مرز بین المللی بین افغانستان و پاکستان برسمیت می‌شناسد. بعداً تائید حرف‌های او بواسطه سخنگوی وزارت خارجه امریکا، وبه همین ترتیب در داخل افغانستان، تاکید سفیر ایالات متحده بر گفته های گروسمن مبنی بر رسمی بودن خط مرزی دیورند در کنفرانس مطبوعاتی اش با والی قندهار که باعث شد تا رسانه ها کشور، بخصوص شبکه های تلویزیونی داخلی و بیرون مرزی افغانستان بمنظور بحث بیشتر در مورد سابقه تاریخی خط مذکور برنامه هیرا براه اندازند. از جمله یکی هم برنامه «تودی خبری» تلویزیون طلوع نیوز است که اینجا به آن مکث میگردد.

اشتراک کنندگان برنامه نه چندان چیزی مهم، بدرد بخورو قابل گفتن داشتند، و نه هم بر اصل موضوع طوریکه لازم بود و ایجاب میکرد، بحث و صحبت میکردند. آقای سعادت مطلبی بیشتر از کلیات مسایل حقوق بین الدول در مورد مرزها، منازعات سرحدی، انواع و اقسام معاهدات بین المللی در مورد مرزها و... چیز دیگری بگفتن نداشت. صحبت‌های او چندان به زخم کهنه دیورند مرهم نمی گذاشت. پرسش‌های گرداننده و پاسخ‌های آقای سعادت مفهوماً آنقدر ازهم دور بودند که گفته ای (ده کجا و درختان کجا؟) را در اذهان تداعی میکرد.

آقای احمد سعیدی هم، خلاف بعضی از صحبت‌های مستند و حسابی اش در سایر برنامه ها، درین بحث تلویزیونی ضعیف صحبت مینمود. چنین استنباط میگردد که متاسفانه ایشان در مورد، حرفها و نکات جامع، تاریخی، قانع کننده و مستند به ارائه کردن ندارد.

با آنهم دو نکته در صحبت‌هایش جا لب بود. یکی اینکه دیدگاهش مرتبط با خط دیورند در مقایسه با صحبت‌های آتشین چند سال قبل او تغییر زیاد کرده است. دوم اینکه بشکل اعتراض گونه بر محمد آصف وردک تاخت و خواهان نشان دادن منبع و مأخذ گفته های او که از دید بحث‌های تاریخی بسیار مهم است، گردید. چون آقای وردک جوابی نداشت، احساساتی شد.

درین بحث آقای وردک چند موضوع را مطرح کرد که نهایت جا لب بود. وقتیکه من حرف‌های او را میشنیدم، بر خودم که بدون مبالغه بیشتر از سه دهه میشود مصروف ورق زدن و مطالعه کتاب، بخصوص کتب تاریخی هستم، اشتباهی شدم که نشود من دروقت مطالعه اسناد مربوط به خط مرزی

دیورند تحت تاثیر احساسات میهنی یا به اصطلاح ( غیرت افغانی ) قرار گرفته باشم و چشم اسناد مذکور را که وردک صاحب بیان میداشت ، ندیده باشد . آقای وردک بریک موضوع بسیار تاکید میورزید ، و بر مطلبی هم سخت میتاخت . موصوف مدعی بود که هیچنوع اسناد بعنوان متن معاهده مرزی دیورند امضا نشده!! امیر عبدالرحمن به پای هیچ کاغذی دستخط و مهر نکرده!! جالب تر از همه، اسرار میکرد که همه موضوعات شفاهی بوده !! حتی ادعا نمود که چون امیر عبدالرحمن با معاهده موافق نبود ، در روز امضای آن قطعاً گپ نمیزد ، بلکه با سرش اشاره !!! میکرد . وقتیکه چنین بوده و او صحبت نمیکرده ، پس چطور میگویند قرارداد خط دیورند ؟ گرداننده با تاکید توام با تمسخر پرسید که امیر با سرش اشاره میکرده ؟ پس به همین خاطر شما میگوید معاهده معتبر نیست و یا هم وجود ندارد ؟ همینطور است؟ این آقا مردانه جواب میداد بلی! . اظهار داشت که هیچ معاهده امضا نشده و اکنون هم در وزارت خارجه افغانستان سند مربوط به خط دیورند وجود ندارد . قابل ذکر است که قبل از او آقای سعیدی هم اظهار داشت که از دید او اکنون در آرشیف وزارت خارجه کشور اسناد مربوط به خط دیورند موجود نیست . از دید این قلم ، موجودیت و یا عدم موجودیت اسناد خط مرزی دیورند در آرشیف وزارت خارجه موضوع دیگریست . ممکن اکنون این اسناد در آرشیف وزارت خارجه کشور موجود نباشد . مگر این به آن مفهوم نیست که معاهده ئی به امضا نرسیده است . اکثریت هموطنان در جریان قرار دارند که بعد از ورود طالبان بکابل و بدار آویختن داکتر نجیب الله ، آوازه شد که داکتر نجیب را یک جنرال افغانستان ( ملا میوند ) و طرفدارانش بدستور سازمان استخبارات نظامی پاکستان ( آی ، اس ، آی ) بقتل رسانده ، و همچنان گفته میشد که اسناد مربوط به خط دیورند را افسران استخبارات پاکستان از آرشیف وزارت خارجه با خود برده اند . (الغیب عندالله)

در تمام دوره حاکمیت طالبان کارمندان نظامی و استخباراتی پاکستان در همه ادارات دولتی افغانستان با تمام صلاحیت حضور داشتند ، نه تنها به آرشیف وزارت خارجه ، که بر تمام مقدرات کشور حاکم بودند . از امکان دور نیست این اسناد بغارت برده شده باشد . اما نباید فراموش کرد که در آرشیفهای دولت بریتانیا نقل همه اسناد موجود است . چندی قبل دولت انگلیس اعلان نمود حاضر است فوتو کاپی هزاران صفحه اسناد سیاسی - تاریخی مربوط دولتهای سابق افغانستان را که در آرشیفهای آن کشور موجود است ، به دولت افغانستان تحویل دهد .

موضوع دوم که خون آقای وردک را به جوش آورده بود و بار بار تکرار میکرد و بر آن میتاخت ، حمله به یک آدرس نا معلوم بود . فکر میشد از طلوع نیوز و یا هم کدام رسانه دیگر کدام استاد پوهنتون در مورد مرز دیورند مصاحبه داشته ، و چنین برداشت میگردید که این شخص بجای پوهنتون ، گویا کلمه « دانشگاه » را بکار برده باشد . چون کلمه دانشگاه به گفته یک وردک دیگر ( کریم خرم ) غیر اسلامی!! است ، کسیکه آنرا بکار ببرد ، گویا وحدت ! ملی !! را خدشه دار میسازد؟ این وردک صاحب بخاطر اینکه از آن دیگرش عقب نمانده باشد ، خیلی احساساتی در مقابل کلمه «دانشگاه» عکس العمل نشان میداد و اظهار میداشت که:

بعضی بیسواد ها هستند که به تلویزیون می آیند و میگویند استاد «دانشگاه» هستیم. استاد «دانشکده» هستیم. «دانشگاه» میگویند و «دانشکده» میگویند، لکن همین قدر نمی فهمند که امیر عبدالرحمن خان با آقای دیورند هیچ معاهده ئی را امضا نکرده. این استاد «دانشگاه» بدروغ مدعی است که گویا معاهده ای بین امیر عبدالرحمن خان و دیورند به امضا رسیده. من میگویم که همه موضوعات شفاهی بوده نه تحریری. گاهی هم اظهار میداشت که امضای معاهده برای صد سال بوده و این صد سال تمام شده دیگر این معاهده باطل است. در هر باریکه نوبت صحبت به او میرسید، بر همان «دانشگاه» «دانشکده» استاد «دانشگاه» میتاخت و اظهار میداشت خود را استاد «دانشگاه» میخواند لکن همین قدر نمی داند که بین عبدالرحمن و دیورند سندی بعنوان متن «دیورند لاین» امضا و تبادل نشده. من نداستم آقای وردک در رد انعقاد معاهده دیورند استدلال میکرد، و یا بر کلمه «دانشگاه» میتاخت؟؟ درد او از دست رفتن اراضی ماورای خط دیورند بود؟ و یا هم کار برد کلمه «دانشگاه» بواسط آن استاد؟ پوهنتون کلمه پشتو و دانشگاه فارسی است. مطابق قانون اساسی افغانستان دو زبان پشتو و فارسی دری زبانهای دولتی افغانستان اند. و قتیکه کاربرد کلمات مربوط یکزبان دولتی مان گناه نیست مسلما از آن دیگرش نیز گناه ندارد. بهر تقدیر.

برنامه داشتم الی تاریخ ۱۲ نوامبر که مصادف با آخرین روز یکصد و نهمین سال، و شروع (۱۲۰ مین) سال عقد قرارداد دیورند است، مقاله مفصلی را در مورد پیشینه خط منحوس دیورند، مفردات و مواد آن، مصائب، آلام و دردهائیکه مردمان کشور مان بخاطر آن حدود دوازده دهه شد که تحمل میکنند (بخصوص شش و نیم دهه اخیر)، داد و فریادهای دروغین داعیه داران ودکا نوش دیروزی و حاج آقایان امروزی زخم ناسور دیورند، مقصداصلی طرح و کمپوز نغمه «دا پبستونستان زمونر» بواسطه (کا، جی، بی) شوروی سابق و اهداف پشت پرده آن، عوام فریبی های زعامتهای صد سال اخیر افغانستان در مورد این خط مرزی و استفاده های ابزاری از آن، تحریر و خدمت اهل مطالعه پیشکش نمایم. لکن برنامه «تودی خبری» طلوع نیوز، پرسشهای آقای بختیاری و پاسخ های آقای وردک، این مجال را گرفت. طوریکه ملاحظه میشد، وردک صاحب بجز حرف خود و همفکرانش، آنچه را خودش بعنوان سند!! میشناسد و ارائه میدارد، به هیچ سند تاریخی دیگر ارزش قایل نخواهد شد. بهمین دلیل از نوشته های تاریخی همه مورخان و محققان داخلی و خارجی در مورد خط مرزی دیورند صرف نظر و فقط به نوشته های دو کتاب اکتفا میشود. روی دلایل معین، آقای وردک نمیتواند به نوشته هائیکه در این دو کتاب آمده، عطف توجه ننماید. کتاب اولی از کسی است که وردک صاحب او را «گنگه» معرفی داشت. یعنی امیر عبدالرحمن «ضیا الملت والدین». اثر دومی هم از نویسنده یا مورخ مشهور پشتون تبار پاکستانی است که نه تنها با کلمه دانشگاه و دانشکده بلدیت نداشت، بلکه پوهنتون و پوهنخی را نیز فضل خداوند نمیشناخت و به بجای پوهنتون (یونیورستی) می نوشت. بجای کتاب (بُک) و بجای شعبه یا خانگه (ایجنسی).

هدف از این کار ، آنست تا دیده شود عاقد این معاهده که بقول محمد آصف وردک حرف نمیزده ، شخصاً در مورد عقد معاهده دیورند از آغاز تا انجام آن چه نوشته است؟؟ دوم اینکه نوشته های مولف کتاب دومی ضد وحدت ملی! نیست و خوشبختانه موصوف به « دافغانستان په لړکیو»! هم ارتباط ندارد . او یک پشتون پاکستانی است . بهر حال در ادامه بحث شیوه کار چنین است :

نخست مشخصات کتابها معرفی میشود ، مطالبی از آنها ( بخصوص کتاب امیر عبدالرحمن خان ) اخذ و بداخل قوسین « - » با ذکر صفحات آورده میشود . کتاب دومی که بزبان پشتو است ، بعضی نقاط مربوط خط دیورند ترجمه ، باقیماند فوتو کاپی و در اخیر این مقالت جنساً گذاشته میشود تا خواننده شخصاً مطالعه اش نماید .

معرفی کتاب اول

نام کتاب : تاج التواریخ

نویسنده : امیر عبدالرحمان خان

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

ناشر : بنگاه انتشارات میوند

کتاب اصلاً دو جلد است . اما در سالهای اخیر با یک یاد داشت بقلم آقای شهرت ننگیال ( ۲۱ - ۷ - ۱۳۷۳ ) در یک جلد چاپ و صحافت شده است . کتاب جمعاً ( ۵۵۰ ) صفحه دارد که جلد دوم آن از صفحه ( ۲۹۸ ) آغاز میگردد .

فصل ششم جلد دوم « سرحدات افغانستان » نام دارد و شامل سه عنوان ذیل میباشد . ۱- تحدید خطوط سرحدی افغانستان با ایران و چین . ۲- تحدید خطوط سرحدی افغانستان با روسیه . ۳- تقسیم سرحدات بین هندوستان و افغانستان . ( صفحات ۴۱۵ تا ۴۲۳ ) در ذیل مطالبی از نوشته های ضیا الملت والدین امیر عبدالرحمن به نقل از اثرش آورده میشود: «بعد از اینکه سرحدات خود را با سایر همسایگان خود تحدید نمودم ، لازم دانستم که سرحدات بین مملکت و هندوستان را هم معین نمایم تا خطوط سرحدی اطراف مملکت من بطور قطعی تحدید شده مثل دیوار محکمی به جهت محافظت مملکت من برقرار بوده باشد . لهذا از لرد ریپون و بعد از آن از لرد دوفرین خواهش نمودم که بعضی از مجرب ترین صاحب منصبهای خود را به سفارت نزد من بکابل بفرستند . و نیز لازم دانستم که این مسئله سرحدی را با این چنین سفارتی تمام نمایم . » ( صفحه ۴۱۵ )

تبصره :- متن میرساند که اقدام به تعیین خط مرزی از جانب انگلیسها نه ، بلکه به تقاضا امیر افغانستان صورت گرفته است . دولت هند برتانوی در اول یکنفر افسر به اسم رابرتس را به انجام این کار توظیف نمود . امیر عبدالرحمن که درین وقت مصروف سرکوب قیامهای داخلی منجمله شورش هزاره ها

بود، و از جانب دیگر نمیخواست رابرتس چنین ماموریتی را عهد دار باشد، بناً با بهانه های مختلف تلاش کرد از ورود او ممانعت شود. او مینویسد:

« ۰۰۰ و نیز خیال کردم که لرد رابرتس شخص سپاهی میباشد و به جهت مذاکرات دولتی، بسیار مشکل است با او طرف شد. برای مذاکرات پولیتک خارجه، شخص سیاسی دانی لازم است، نه مرد سپاهی جنگی. » (صفحه ۴۱۶)

تبصره: بر خلاف ادعای محترم محمد آصف وردک، نه تنها امیر بیخبر و بدون آماده گی قبلی نبوده، بلکه بر عکس در تعیین رئیس هیات انگلیس هم بمیل خود می اندیشیده است. او با ریاست رابرتس مخالف بود، لکن جدا تمایل داشت تا سر مارتیمر دیورند بریاست این هیات مقرر گردد که بعداً بنقل از نوشته امیر آورده میشود. آقای وردک صاحب موضوع موجودیت هر نوع کاغذ و نقشه را انکار میکرد. حالانکه امیر خودش مینویسد که: « ۰۰۰ و از فرمانفرما خواهش نمودم نقشه به جهت من بفرستد و خطوط سرحدی را بطوریکه می خواهند معین نمایند روی نقشه مذکور، تخمیناً مشخص کنند تا بدانم کدام نقاط یاغستان را خیال دارند تحت نفوذ و در حیطه اقتدار خود بیاورند. بواسطه این تدابیر، از آمال خود کامیاب شدم. » (صفحه ۴۱۷)

حالا قضاوت را بدیگران باید گذاشت که امیر عبدالرحمن بحیث عاقد معاهده مرزی دیورند درست نوشته و حق بجانب است یا محترم وردک که یکصد و بیست سال بعد از انعقاد معاهده حرف میزند؟ بار دیگر به نقل از نوشته های امیر عبدالرحمن خان: «در اینجا لازم است بیان نمایم، در نقشه ای که فرمانفرما به جهت ما فرستاده بود، ولایات وزیر ی و چمن نو و استانسیه راه آهن آنجا و چغایی و بلندخیل و موهمند و اسمار و چترال و تمام ولایاتی که بین آنها واقع است، همه را جز هندوستان مشخص نموده بودند. » (ص ۴۱۷)

امیر بعد از ملاحظه نقشه و مطالعه مفردات آن، از حرفهای گیله آمیزیکه به انگلیسها اظهار داشته، چنین مینگارد: « ۰۰۰ و از مقطوع نمودن این طوایف سرحدی از من، که هم دین و هم ملت من میباشد، شما شأن مرا در انظار مردم و رعایای خودم کسر می نمائید و مرا ضعیف میکنید و ضعف من به جهت دولت شما ضرر دارد. ولی نصیحت مرا نپذیرفتند. » (ص ۴۱۸)

امیر درد خاکهای ماورای دیورند را نه، بلکه بفکر به اصطلاح « شأن » خود بوده تا نزد مردم کسر! نشود. امیر در مورد ساحات مربوط به یاغستان که در نتیجه خط دیورند به هند تعلق میگرفت، مشکلات داخلی، تهدیدات روسها در باب ولایت روشن و شغنان و غیره توضیحات داده، علاوه میدارد که:

«به جهت قطع و فصل تمام همین مناقشات و زحمات بود که سفارتی را به ریاست سر مارتیمر دوراند به کابل دعوت نمودم و چون مشارالیه شخص سیاسی دان هوشیاری بود ملتفت که اطمینان باعث اطمینان است. چنانکه شیخ سعدی علیه الرحمه گوید:

دل را به دل رهی است درین نیلگون سپهر = از کینه کینه خیزد از روی مهر مهر

مشار الیه به جهت سلامتی و محافظت خود بمن اعتماد نموده، عازم کابل گردید. ۰۰۰ بتاریخ نوزدهم ماه سپتامبر سال ۱۸۹۳ - م از پشاور بطرف کابل حرکت نمودند و در ورود سفارت مذکور به کابل، جنرال

من غلام حیدر خان از آنها استقبال نمود.» (صفحه ۴۱۹) تبصره و قضاوت در مورد نوشته فوق امیر، به شما خوانندگان محترم گذاشته میشود.

برخلاف ادعای جناب وردک مبنی بر اینکه گویا هیچ مجلس و صحبتی صورت نگرفته، هیچ یادداشت و سند در زمینه وجود نداشته و ندارد، لکن امیر عبدالرحمن خان در اثرش تاج التواریخ چنین مینگارد:

«بعد از مجلس رسمی اول، فوراً مشغول مذاکرات گردیدیم. چون سرمارتیمر دوراند، شخص سیاسی دان بسیار زیرکی بود و زبان فارسی را هم خوب میدانست، تمام مذاکرات زود اصلاح شد، ولی به جهت اینکه ثبت هر حرفی را که سر مارتیمر دوراند و خودم و دیگر متکلمین سفارت، صحبت میکردیم داشته باشیم، قرار داده بودم که منشی باشی من سلطان محمد خان، عقب پرده به نشیند، بدون آنکه کسی او را ببیند، یا حضور او را عقب پرده غیر از خودم دیگر کسی بدانند. و هرکلمه را که سر مارتیمر دوراند یا خودم با یکدیگر تکلم می کردیم به خط رمز اختصاری نوشته، ثبت این مکالمات، تماماً در دارالانشا دولتی ضبط است.» (ص ۴۲۰)

تبصره: امیر عبدالرحمن مینویسد که بعلاوه اسناد و نقشه های طراحی شده از طرف انگلیسها در مورد خط مرزی، تمام صحبت های شفاهی ما نیز بدستور من طور مخفی ثبت گردیده و در دارالانشای شاهی موجود است. آقای وردک میفرماید که نه چرگی بوده و نه هم پرگی، بقول او امیر پیام یا گفتنی هایشرا با سر جناباندر بجانب مقابل تفهیم میکرده است. حالا شما بگوید که ملت چه کند؟ حرفهای وردک را قبول نماید و یا گفته ها و نوشته های امیر عبدالرحمن خان را؟؟ در مورد تقسیم بندی ساحات و محلات بین دولت افغانستان و هند برتانوی امیر در تاج التواریخ چنین مینگارد:

«در باب خط سرحدی، قرار داده شد که خط مذکور از چترال و گردنه بروغیل تا پشاور کشیده مشخص نمایند و از آنجا هم تا کوه ملک سیاه معین نمایند. به این قسم که داخان [واخان] و کافرستان و اسمار و طایفه موهمند لال پوره، قدری از وزیرستان جزء مملکت من گردید و من ادعای حقوق خود را در باب استانسیه راه آهن چمن نو و چغایی و باقی وزیرستان و بلندخیل و کرم و افریدی و باجور و سوات و نبیر و چیلاس و چترال ترک نمودم. هر دو طغرا [؟] قرارداد نامه را در باب سرحداتی که معین شده بود، خودم و اجزای سفارت مهر و امضا نمودیم و در قرار داد نامه مذکور نیز ذکر شده بود، چون دولت افغانستان بطور دوستی ادعاهای خود در باب بعضی از ولایات چنانکه قبلاً مذکور شده است، قطع نمود.» (ص ۴۲۱)

تبصره: - ببینید شخص امیر عبدالرحمن مینویسد که قرارداد نامه را خودم و اجزای سفارت که هدفش همانا اعضای سفارت دولت انگلیس بریاست سر مارتیمر دیورند میباشد، مهر و امضا نمودیم. فکر نمیشود دیگر برای حرفهای چون: اسناد وجود نداشته. نقشه موجود نبوده. حدود و ثغور این مرز معین نگردیده. شاه تحت فشار بوده. شاه راضی نبوده. و غیره، و غیره، جای به حرف زدن باقیمانده باشد. بنوشته امیر عبدالرحمن خان، خودش آمدن هیات بکابل را تقاضا نموده. نقشه را خوب ملاحظه کرده. اسم همه محلاتی که از پیکر کشورش جدا و جز خاک هند میشده، دقیق میدانسته و از همه با تفصیل اسم

برده. این نوشته امیر ( من ادعای حقوق خود بر ۰۰۰ ترک کردم ) اگر سند و معتبر نیست؟ اگر نقشه ای که از اسم برده ، ثبت همه صحبت‌های شفاهی او با مارتیمر دیورند و سایر اعضای هیات همراهش و ۰۰۰ سند نیست ، پس اسناد معتبرتر از آن چه خواهد بود؟

امیر در مورد بجریان قرار دادن اعضای ملکی - نظامی دولت خود و سران قبایل چنین مینویسد:

«در تاریخ سیزدهم ماه نوامبر ، در عمارت سلام خانه دربار عمومی تشکیل یافته ، تمام صاحب منصبهای کشوری و نظامی کابل و روسای طوایف مختلف و نیز دو نفر پسر های بزرگم ، حضور داشتند . در حضور اهل مجلس ، به جهت من باب المقدمه ، نطقی نمودم و تمام قرار داد هایرا که داده شده بود ، به جهت اطلاع ملت و اهل مملکت خود و کسانی که حاضر بودند ، اجمالاً بیان کردم . خداوند را حمد نمودم که روابط دوستانه را که بین این دو دولت حاصل بود ، محکم و آنها را بیشتر از پیشتر با هم دیگر موافقت عطا فرمود . و نیز از سرمارتیمر دوراند و اجزاء سفارت ، اظهار امتنان نمودم که گفتگو ها را از روی عاقلی قطع و فصل نمودند .

بعد از آن سرمارتیمر دوراند ، نطق مختصری نموده ، در آخر اظهار داشت که تلگرافی از فرمانفرمای هندوستان بمن رسیده . از قرار داد هائیکه تازه داده شده است و از موافقت‌های دوستانه ما خیلی اظهار شعف و رضایت نموده اند . ۰۰۰ به تمام وکلا و ماموران دولت من که حاضر بودند ، سوادی از خطابه نماینده های ملت افغانستان که تماماً آنرا مهر نموده ، قرار دادها و اتفاق نامه ها را قبول نموده از دوستی بین دولت انگلیس و افغانستان خیلی اظهار شعف و مسرت نموده بودند .

من مجدداً دفعه ثانی برخاسته ، خطابه مذکور را به جهت اجزاء سفارت و سایر حضار مجلس قرائت نمودم . آن روز به منشی باشی حکم ندادم که خود را پنهان نماید ، بلکه به او حکم کردم که این سه فقره نطقها را بنویسد ، و روز بعد دوهزار نسخه از اینها چاپ شده ، در تمام مملکت منتشر ساختم . من باب مثال یک فقره در اینجا ذکر می نمایم تا آشکارا شود که اهالی مملکت من دوستی دولت و ملت انگلیس را چقدر مغتنم می شمارند و چقدر محبت آنها در قلوب این مردم و ماموران من جا گرفته است . « (ص ۲۲-۴۲۱)

تبصره :- امیر عبدالرحمن مینویسد که ( صاحب منصبها ، روسائی طوایف و پسران بزرگ خود را ) در مجلس حاضر کرده بودم . امیر از چاپ و نشر متنها سخن میراند ، اما محمد آصف خان وردک میگوید کدام کاغذی در مورد خط مرزی دیورند موجود نیست . درحالیکه شخص امیر نوشته که به تیراژ ( ۲۰۰۰ ) نسخه یا کاپی از متن قراردادها را چاپ و در بین سران طوایف و ماموران عالیرتبه کشوری و لشکری ام توزیع کردم . امیر از تقدیر رئیس و اعضای سفارت انگلیس ، با توزیع مدالها و نشانها نیز یاد آور شده است . عبدالرحمن خان درین باره چنین مینویسد:

«۰۰۰ بعد از تسلیم نمودن نشانهای مذکور ۰۰۰ ، بتاریخ چهاردهم ماه نوامبر از کابل حرکت نموده و این مسافرت به آنها خیلی خوش گذشت . مناقشات و گفتگو هائی که در باب این امورات سرحدی در میان می آید ، تمام شد . بعد از آنکه خطوط سرحدی را کمسیونهای این دو دولت بر طبق قراردادهای مذکوره

فوق تحدید نمودند ، امنیت و اتفاق بین این دو دولت بر قرار گردید . از خداوند مسئلت می نمایم که این امنیت و موافقت تا ابد مستدام باشد . » ( صفحه ۴۲۳ )

برداشت این قلم از نوشته های فوق امیر عبدالرحمن ضیا الملت والدین در اثر منسوب به او ، به صراحت میرساند که : همانطوریکه امیر سرحداتش را با سایر همسایه گانش معین نموده بود ، جداً علاقه مند معین نمودن سرحد با هند برتانوی نیز بوده ، و روی همین دلیل از آن دولت بار بار تقاضای فرستادن هیات بخاطر حل این موضوع را نموده است . علاوه بر متن کامل قرارداد ها ، نقشه های تعیین سرحدات نیز ترسیم و به امیر سپرده شده بود . امیر همه اراکین ملکی و نظامی اشرا از محتوا و چگونگی قرار داد مطلع ساخته بوده است . سران طوایف و قبایل را در مجلس امضای قرارداد خط مرزی دیورند به ارگ سلامخانه دعوت نموده بود . در واگذاری مناطق ماورای دیورند بجانب هند برتانوی موافق بوده است . چنانکه بعد از عقد قرارداد مدت دو سال نماینده های هر دو دولت مصروف علامه گذاری این مرز بر اساس همان نقشه ایکه به امیر داده شده بود ، و وردک صاحب آنرا انکار میکند ، بوده اند . بنوشته امیر عبدالرحمن ، دوهزار نسخه از متن قرار داد را در بین سران قبایل توزیع نموده است . به همه اسناد و نقشه های مربوط به قرارداد مهر و دستخط نموده است . اعضای هیات سفارت انگلیس را با توزیع مدالها و نشانهای دولت افغانستان مفتخر گردانیده است . و در نهایت بعد از اظهار رضا و رغبت اش در مورد انعقاد این معاهده ، بخاطر تحکیم مناسبات دوستانه بین طرفین دعا هم نموده است . اینک یکتعداد اشخاص به این همه نوشته های امیر بزرگوار افغانستان ، یا بقول بعضی از همتبارانش پدر افغانستان معاصر ، ارج نمیگذارند و احترام قائل نمیشوند ، بدون شک و شبهه ، روح آن مرد را می آزارند .

کتاب دومی که وعده نقل و قول از آن داده شده بود ، کتاب مشهور مولف پشتونتبار پاکستانی آقای سید بهادرشاه ظفر کاکاخیل است که « پبنتانه د تاریخ په رنبا کبندی » نامدارد .

نام کتاب : پبنتانه د تاریخ په رنبا کبندی

نویسنده : سید بهادر شاه ظفر کاکاخیل

ناشر : یونیورستی بک ایجنسی - سال چاپ : اول ۱۹۶۵ ( هفتم ۲۰۰۹ - م )

کتاب بار اول در سال ۱۹۶۵ میلادی در پشاور پاکستان و از طرف ( یونیورستی بک ایجنسی ) خیبر بازار پببنور ، چاپ گردیده بود . کتاب در سال ۲۰۰۹ میلادی برای هفتمین بار در پببنور چاپ گردیده است . از صفحه ( ۸۳۰ ) به بعد در مورد خط دیورند مطالبی زیاد و خوبی وجود دارد که درین مقالت چند سطر آن تحت الفظی ترجمه و باقیمانده صفحات اش کاپی و جنساً در قسمت اخیر مقاله آورده میشود تا خواننده شخصاً مطالعه اش نماید .

در صفحه ( ۸۳۰ ) این کتاب در مورد تلاشهای امیر عبدالرحمن خان مبنی بر تعیین حدود مرزی با دولت هند برتانوی چنین مینگارد :



«امیر عبدالرحمن بسیار علاقه مند تعیین حدود سلطنت خود با حکومت هند بود. ۰۰۰ بین امیر عبدالرحمن و سر مارتیمر دیورند یک معاهده عقد گردید و در نتیجه بین افغانستان و هند برتانوی ترکیه و تقسیم جدائی [ارضی] صورت گرفت. این تقسیمات یا حد بخشی بنام خط دیورند مشهور است. این معاهده را در کابل بتاريخ ( ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ میلادی ) امیر عبدالرحمن و مارتیمر دیورند امضا نمودند. ( دستخطونه اوکرل )

• بعضی مواد ضروری [مهم] معاهده به این شرح اند:

۱- سرحدات شرقی و جنوبی امیر عبدالرحمن خان از واخان تا سرحد فارس با نقاط و خطوط تعیین گردید که در نقشه مربوطه ترسیم شده است.

۲- حکومت هند برتانوی به این موضوع تعهد کرد که ازین خط [ مرز دیورند ] به سرحدات جانب افغانستان قطعا و هیچگاه مداخله نمی کند. به همین ترتیب امیر افغانستان هم تعهد نمود که در ماورای این خط و سرحدات جانب هندوستان هیچنوع مداخله نمیکند.

۳- امیر عبدالرحمن تعهد کرد که بر سوات ، بنیر ، باجور ، دیر و چترال هیچنوع مداخله نمیکند. به همین ترتیب با مناطق وزیرستان و « دورو » هیچگونه ارتباط نگه نمیدارد - و حکومت برتانوی راضی شد (رضا شو) که بر علاقه یا منطقه «برمل» مداخله نمیکند. « (صفحه ۸۳۰).

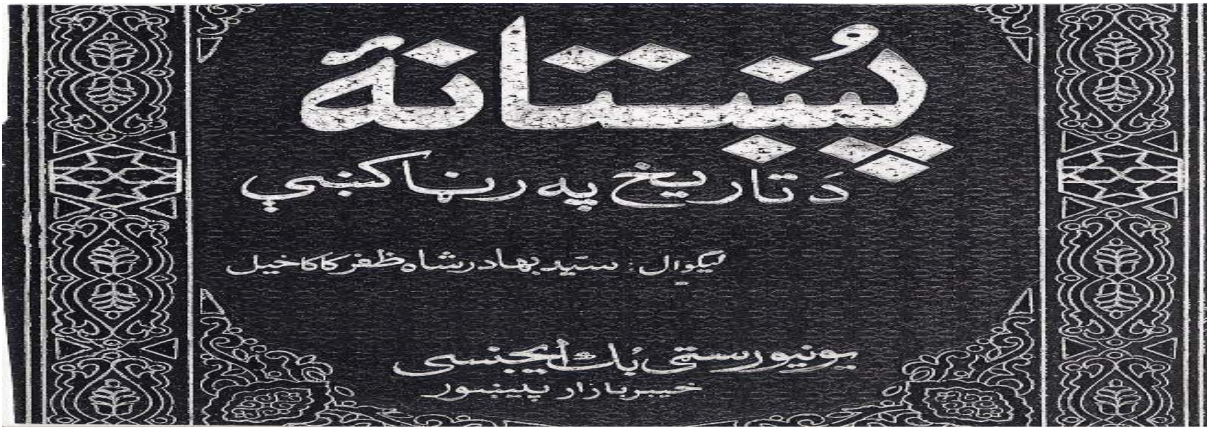
مواد شماره های ۴ و ۵ را در کاپی متن مطالعه فرمائید. جناب آقای وردک در صحبتهایش مدعی بود که مواضع خط دیورند تثبیت نگردیده بود و کس نمیدانست که این خط در کدام محلات است ؟ اما بر عکس ادعای او ، آقای ظفر کاکا خیل حد فاصل ( فاصله به میل ) خط مرزی دیورند با شهر های دو طرف این خط سرحدی را بسیار دقیق چنین مینگارد : «فاصله یا بُعد مسافه از خط دیورند تا بعضی شهر های دو طرف آن به شرح ذیل اند:

فاصله پیشاور از خط دیورند (۳۵) میل ، و کابل ازین خط (۱۵۴) میل دور است. فاصله کوهات از خط دیورند (۱۴۵) میل ، تل (۳۴) میل ، بنون (۸۰) میل ، از بنون [ بنو ] به سوی کیتو (۳۸) میل ، دیره اسماعیل ( ۱۳۶ ) میل ، کونته (۷۸) میل ، و فاصله کوهات به این خط از استقامت کابل (۱۰۸) میل ، و غزنی (۸۷) میل فاصله دارد. « ( صفحه ۸۳۱ )

خوانندگان محترم خود قضاوت فرمایند. وردک صاحب میفرماید که هیچنوع حد و حدود تعیین نشده ، در حالیکه کاکاخیل صاحب حد فاصل بین خط مرزی مشهور به دیورند را با یکتعداد از شهر های مهم و مشهور دو طرف آن به میل واضح معرفی داشته است.

با این امید و دعا که هرچه زودتر به همه درد ها ، رنجاها و مصائب که مردم افغانستان بخاطر این خط منحوس متحمل شده اند ، دیگر نقطه پایان گذاشته شود. آمین .

با آوردن کاپی چند صفحه از کتاب ( پبستانه د تاریخ به رونا کبسی ) تالیف ظفر کاکاخیل که در مورد خط مرزی دیورند بین افغانستان و هند برتانوی است ، به این نوشته پایان داده میشود.



۸۳۰

امیر عبدالرحمان د حکومت هند سره دخپل سلطنت د حد بندی قاشولو په حقله  
 ډیر ليواله وو لیکن انگریزان دے حد بندی ته تیار نه وو۔ په کال ۱۸۹۳ کښه انگریزانو  
 په « وانا » قبضه اوکړه۔ او ددے علاقے مشران ټی امیر عبدالرحمان ته اولیرل۔ امیر عبدالرحمان  
 دے غلغو سره ډیر دارو مدار اوکړو۔ دغه وخت انگریزانو ته هم خپله غلطی معلومه شوه۔  
 او هغوی سید سنی امیر عبدالرحمان سره د حد بندی قاشولو ته غاړه کښه شوه۔ او د حکومت  
 هند له خوا د « سرمار ټیمبر ډیورنډ » په مشرۍ کښه یوه جرگه کابل ته اولیرل شوه۔ د  
 امیر عبدالرحمان او د سرمار ټیمبر ډیورنډ تر مینځه یو معاهده او شوه۔ او د افغانستان  
 او برطانوی هند تر مینځه د بیلتون بریده قائمه کړه شوه۔ دا بریده د ډیورنډ لاش  
 په نامه مشهوره ده۔ په دے معاهده په کابل کښه په ۱۲ نومبر ۱۸۹۳ کښه امیر عبدالرحمان  
 او مار ټیمبر ډیورنډ دستخطونه اوکړل۔ ددے معاهدے ټی ضروری خبره دا دی۔  
 (۱) د امیر عبدالرحمان د عملداری مشرقی او سویلی پولہ د واخان نه د فارس د سرحد  
 پورے هغه کرښه مقرر شوه چه کومه په منسلکه نقشه کښه راښکلی شوی ده۔  
 (۲) د هند برطانوی حکومت ددے خبرے اقرار اوکړو۔ چه ددے کرښه نه به د افغانستان  
 په لور واقع سرحد اتوکښه هیڅ مداخلت نه کوی۔ هم په دے ډول امیر افغانستان اقرار  
 اوکړو چه ددے کرښه نه به د هندوستان په لور واقع سرحد اتوکښه هیڅ قسم مداخلت  
 نه کوی۔

(۳) امیر عبدالرحمان اقرار اوکړو چه په سوات، بنیر، باجوړ، ډیر او چترال کښه  
 به هیڅ قسم مداخلت نه کوی۔ او هم په دے ډول به د وزیرستان او « دورو » د علاقے  
 سره ټه تعلق نه ساتی۔ او برطانوی حکومت رضا شو۔ چه « برمل » په علاقہ کښه به دوی  
 ټه مداخلت نه کوی۔

(۴) د بریدے کرښه به وروستو په تفصیل سره د انگریزی او افغانی کښرانو په ذریعہ  
 قاشولے شی۔ او ددے منشا به داوی چه د طرفینو په رضا سره یوه داسے سرحدی کرښه  
 په مزکه راښکلی شی۔ چه تر وسته وسته پورے دنقشے دکرښه سره مطابقت لری۔  
 (۵) د معاهده حکومت هند او حکومت افغانستان یو داسے قابل تسلیم فیصله کښی۔

چہ پہ کینے درائے ہیچ اختلاف نشتہ - او د افغانستان امیر دا وعدہ کوی چہ د دے  
مد بندی، فیصلہ بہ ہخہ افران بہ دوستانہ طریقہ کوی کوم چہ د دے بریدے دقائمولو  
د پارہ مقرر کرے شی - پہ دے غرض چہ د آئندہ د پارہ د دوارو حکومتونو پہ مینج کینے  
ہیچ غلط فہمی پیدا نہ شی - د دے معاہدے لہ مخہ د امیر افغانستان سالانہ امداد د دولو  
کوروپو پہ ٹائے اتلس نکہ روپئی مقرر شو - د دیورنئی لائن نہ پہ دوارو لورو د مختلفو  
بنارونو فاصلے پہ دے چول دی -

د دیورنئی کرینے نہ د پنینور فاصلہ (۳۵) میلہ او کابل د دے کرینے نہ (۱۵۴) میلہ  
لرے دے - د کوعابت فاصلہ د دے کرینے نہ (۱۴۵) میلہ - قل (۳۴) میلہ - بنوں (۸۰) میلہ  
د بنوں پہ لور کیتو (۳۸) میلہ - دیرہ اسماعیل خان (۱۳۶) میلہ - کوئٹہ (۷۸) میلہ او دکوٹا  
پہ لور کابل د دے کرینے نہ (۱۰۸) میلہ او غزنی (۸۷) میلہ دے -

د دے بریدے پہ قاسیدلو دوارو حکومتونو تہ د خپل اثر و نفوذ او عملداری دائرہ  
فرگندہ شوہ - د دے بریدے نہ پہ نبرغاتہ د ہند پہ لور ازاد قبائیل د برطانوی حکومت  
زیر اثر شول - او پہ دے قبائیلو باندے د قہ اثر و نفوذ او سیاسی اقتدار پہ محقلہ دافغانستان  
حکومت د ہرقسم دعوو نہ دست بردار شو - او د مداخلت نہ کولو اقرارے او کرو - امیر  
عبدالرحمان پہ دے معاہدہ چیرمطین وو - او دھغہ دا اطمینان دھغہ د خپلو الفاظو نہ  
ظاہر دے - د دے معاہدے پہ محقلہ ہغہ داسے وائی -

سرمارتیمر دیورنئی پہ ۱۹ ستمبر ۱۸۹۳ء د پنینور نہ د کابل پہ نیت راروان شو - د  
کابل پہ حدود کینے د داخلیدو نہ پس د دے جرگہ استقبال تہ زما جرنیل غلام حیدر خان  
چرخئی ولار وو - د جرگہ پہ ۲ اکتوبر کابل تہ راغلہ - او د دوی پہ اعزاز کینے دیو ویشیت  
توپو سلائی او شوہ - ما د خپل موی حبیب اللہ خان پہ مکان کینے د دوی د قیام بندوبست  
کرے وو - درسی دربار نہ پس مونر زر پہ اصلی معاملاتو بحث شروع کرو - دیورنئی یو  
ماہر سیاست دان او دیرنہ فارسی خوان دے - خبرہ دیرہ زر روغہ شوہ - لیکن پہ دے  
غرض چہ زما، دمارتیمر دیورنئی او دشمن د نورو افرادو د خلی نہ وتل ہر لفظ د پہ  
ریکارڈ کینے محفوظ شی - ما خپل میرمنشی سلطان محمد خان د پردے شاتہ کینینولے وو - دے  
نہ خونچا لیدے شو - او نہ زما نہ بغیر د دے پہ موجودگی بل ٹوک خبر وو - دہ تہ ماہیت  
کرے وو چہ ہر ہاغہ خبرہ چہ دوی نے ماسرہ کوی او کہ پہ خپل مینج کینے خواہ کہ ہغہ پہ  
فارسی کینے وی او کہ پہ انگریزی کینے ہغہ د لفظ پہ لفظ نیکی - او ہغہ (سلطان محمد خان)

زمونڙ دا ٽولے خبرے پہ ڄاڻارت هيندي ڪيٺي اوليڪي۔ او زما، د ڇيورنڊي او دھيرڪي دنورو  
افرادو ترمينڃ ڇه ڪوے خبرے شوے وے هغه په دفتری ريكارڊ ڪيٺي محفوظ دي۔ د دے  
ٽولو خبرو اترو نتيجه دا شوے ڇه د مد بندي هغه ڪرنبه ڇه طرفينو پرا تفاق او ڪرو۔ د  
چترال او بروغلي نه تر پلينبوره رسي۔ او بيا د ڪوہ سياه پورے په دے ڇول ڇه واغان،  
ڪافرستان، اسبار، د لال پورے مهيند او د وزيرستان يوحصه (برمل) زما په مڪومت ڪيٺي  
راغله۔ او ما د نيوجمن ريلوے سٽيشن، چاغي، د برمل نه علاوه د ٽول وزيرستان۔ بلند  
خيل، ڪرم، افریدی، باجوړ، سوات، بنير، دير، چيلاس او چترال په باب ڪيٺي دغلو دعوي  
او حقونو نه دست برداري اختيار ڪرہ۔

۱۰ دا مئن په ۱۴ نومبر ۱۹۳۳ء د ڪابل نه رخصت شو۔ د دوي دا قيام ڇير خوشگوار  
وو۔ او د دے معاهدے په وجه هغه ٽولے غلط فھمي او تنازع ڇه د دے علاقو په حقله به  
پورته ڪيدے ختم شوے او هر ڪله ڇه د مد بندي ڪرنبه د مذڪوره معاهدے مطابق د دوايو  
مڪومتونو د ڪمشنرنو په نگراني ڪيٺي قائم ڪرے شوے نو دعام سڪوت او اطمينان فضا فورے شوے  
اوزه، دانته تعالیٰ نه خواست ڪووم ڇه دا فضا د تل قائم وي۔

د ڇيورنڊي معاهدے په حقله د امير عبدالرحمان د اطمينان يو بل ثبوت دا هم دے ڇه په  
۱۹۹۴ء ڪيٺي ڇه د وزيرستان او د پښتونو نور آزاد قبائيل د انگريزانو برفلاف پورته سٺوي  
وو۔ او د انگريزانو سره په خونري جنگونو ڪيٺي لگيا وو۔ دغه وخت امير عبدالرحمان بالڪل غير  
جانبدار وو۔ ڪه ڇرے دا قبائيل هغه د خپل اقتدار په دائره ڪيٺي شامل ڪيٺي نو يقينا د دوي مرسته  
به ٿي زباني يا عيني ڇه ڇوڪري وه۔ و ٿي هغه د قبائيلو د دے شورش په دوران ڪيٺي بيخي خاموش  
وو۔ او د دے خبرے څرگند ثبوت دے ڇه ڇيورنڊي لائن د هغه په خيال ڪيٺي يوبين الاقوامي  
ميثيت لرو۔ او د قبائيلو دا شورش د هغه په خيال ڪيٺي د حڪومت هند يوه ڪورنيءَ معاملہ وه۔ د  
ڇيورنڊي معاهدے تصديق د امير عبدالرحمان نه پس د هغه نورو جانشينانو هم په خپل خپل وخت  
ڪرے دے۔

د ڇيورنڊي سره د معاهدے نه پس امير عبدالرحمان ته د ملڪه انگلستان له خوانه انگلستان ته  
د راتلو دعوت ور ڪرے شو۔ امير دا دعوت منظور ڪرو۔ و ٿي د خپل بياري له ڪبله ٿي دے او د سفر نه غاي

له د دے معاهدے په نتيجه ڪيٺي د دوايو و حڪومتونو يو مشترڪه ڪميشن په زمڪه باندے د بربريدے قاسم لوبو لڙ ڪيٺي د وه  
ڪاله لگيا وو۔ او ڇه دا ڪار مڪمل شو نو د ڪميشن د رپورٽ نه پس بله معاهدہ هم اوشوے۔ او د فرقيونو نائندگانو پر دستخط و ڪرے

- ۱- امير عبدالرحمان ۰ تاج التواريخ ۰ پشاور، انتشارات ميوند، ۱۳۷۳ - خورشیدی
- ۲- ظفر ڪاڪاخيل، سيد بهادر شاه ۰ پښتانه د تاريخ په رڻا ڪښي ۰ پيشاور، يونيورسٽي بڪ ايجنسي،  
چاپ هفتم، ۲۰۰۹ - ميلادي